

برای پاره ، با احساسی لطیف و گویایی ، بیای اید که کجای تریب را بیشتر از همه با برادری بسید

2001

«توله» آهسته آهسته بوی طبع لطیف خویشی

بر صحنه ادب ، هم آفریده ای

«توله» ... زاده صفا جان در دست در صحنی

بر خاک آن سر به سجده نهاده ای

لقبی «له دور قناری زاصل خویشی»

در آرزوی وصل ، پاره ای بر فغانه ای

شعر تر خوانده ام ... دانی که به لطف شعر خویشی

دنیای پر زراز بزم ، لسانه ای م

پاره ای ... آهسته آهسته ، نستی به لب جابه و مال

بر شهرت مازب ، خط لعلان نهاده ای

«توله» بلبل غزاله ای شویاری

گرچه به باغ غیر بگردانده ای

«توله» عاشق به سینه ای ، گواه تو سر است

نور ، ساعری و اله دیار باخته ای

۱۵ اکت ۱۹۹۹ در سوران بار در حضور پرستان غریب (۹۹)

مهره